

# احیاگر سنت فلسفی حکمای مسلمان ایرانی

### سید جلال الدین آشتیانی و کشف دوباره میراث فلسفه اسلامی ایران

دارای مقام شامخ است، نقل شود و بدون اظهار نظر به طبع برسد، ابراز می‌دارد که چنین کاری فاقد ارزش علمی است، و باید پیرامون متون انتخابی اظهار نظر شود و در ضمن مقایسه افکار فلسفی و عرفانی، تاثیر افکار در یکدیگر و نحوه سیر آرا و عقاید حکمی واضح و معلوم شود تا مقام و مرتبه و منزلت مؤلفان این آثار معلوم و مشخص شود.

آشتیانی به گفته خود، علاوه بر انتخاب مطالب فلسفی و تالیف مجلدات منتخبات به تصحیح و چاپ و انتشار رسایل و کتب حکمی و عرفانی دانشمندان ایرانی در قرون اخیر پرداخته است تا زمینه‌ای مستعد برای تالیف تاریخ مبسوط در حکمت و عرفان در چهار قرن اخیر فراهم آورد و کار را برای کسانی که در آینده بخواهند تاریخ بنویسند یا علاقه به تحقیق و سیر در آثار حکمای ایرانی در آنها پیدا شود، قدری آسان کند. به اعتراف وی، تهیه و تصحیح این آثار، ناشی از علاقه و عشق شخصی وی است به افکار متألهان از حکما و عرفا، نه آنکه ملزم به انجام کار باشد، یا آنکه محیط گرم علمی شوق به کار ایجاد کند.

استاد آشتیانی حکیمی متأله و از نوادر دوران خود محسوب می‌شود و در عرفان نظری دوره متأخر و معاصر کم‌نظیر و حتی بی‌نظیر است. حکمت اسلامی از نظر استاد هیچ‌گاه از عرفان جدا نیست و عرفان از معرفت ناب اهل بیت (ع)، منبع عرفانی مسلمان در عالی‌ترین مباحث عرفانی متأثر از طریقه ائمه شیعه است. در مسلک عرفانی اسلامی در اصل توحید و اسما و صفات و مسئله ولایت عین عقاید شیعه است. آشتیانی عرفا را ارباب معرفت می‌نامد و علمشان را که همان علم توحید است، مأخوذ از اسلام (قرآن و احادیث نبوی و لوی) می‌داند. لذا در تدوین تاریخ عرفان اسلامی خاطر نشان می‌سازد که توجه به سرمنشأ اسلامی این علم ضروری است. انتساب افکار متصوفه اسلامی و ریشه این افکار و آرای در مصنفات و کتب و عقاید قبل از اسلام

نگارش و شرح متون درسی داشت، عمده همت خود را معطوف به احیای تراث گذشتگان کرد، چرا که او بر این باور بود که احیای این تمدن از یادرفته است که راه را برای دانش‌های عصری و نوآوری‌ها فراهم می‌سازد. وی به نقل از حکیم متأله و استاد خویش مرحوم «سید ابوالحسن رفیعی قزوینی» می‌فرمود: «از استاد خواستم اثری در تحریر حکمت متعالیه بنگارند، استاد رفیعی فرمودند: اگر مختصر بنویسم شواهد الربوبیه می‌شود و اگر مفصل اسفار...» و شاید به همین دلیل بود که وی برای اولین بار به احیای نقادانه شواهد الربوبیه همت گمارد.

تصحیح انتقادی، تحقیق و مقدمه علمی و احیای متون حکمی (فلسفی و عرفانی) همچون تصحیح شواهد الربوبیه ملاصدرا، اصول المعارف یا اجوبه المسائل در مجموعه رسایل فلسفی، مبدأ و معاد ملاصدرا، رساله مشاعر با شرح ملامحمد لاهیجی... از جمله فعالیت‌های استاد است. مهم‌ترین و جالب‌توجه‌ترین آنها مجموعه ارزنده (چهار جلدی) منتخباتی از آثار حکمی حکمای الهی ایران (از میرداماد و میرفندرسکی تا زمان حاضر) است. در این مجموعه استاد با تبحر، دقت و سلیقه خاص به انتخاب متونی مبادرت کرده‌اند که نه تنها در خور احیا است، بلکه در طول تاریخ فلسفه و در آرای فلسفی تاثیرگذار بوده است.

اما نکته مهم تسلط علمی استاد به همه این متونی بود که مورد تصحیح قرار می‌داد و این احاطه علمی غالباً در مقدمه تحلیلی که به فراخور مجال می‌نگاشت، متجلی بود. این مقدمه‌ها نیز از جهت علمی چنان هستند که هم به ارزش علمی متن می‌افزایند و هم با معرفی و تحلیل و تبیین متن را منقح و روشن در اختیار خواننده قرار می‌دهند و حتی گاهی چنان هستند که خود متن را تحت الشعاع قرار می‌دهند.

آشتیانی در چاپ منتخباتی در پاسخ به جناب کربن که معتقد بود در منتخبات فلسفی فقط مطالب انتخابی از هر فیلسوف و حکیمی که

### طاهره کمالی‌زاده پژوهشگر

«سید جلال الدین آشتیانی» استاد نام‌آشنای سرزمینی است که تاریخ فلسفه اسلامی با حکمای نامدار آن همچون ابونصر فارابی و شیخ الرئیس ابوعلی سینا آغاز، تدوین و نضج می‌گیرد. آشتیانی شخصیت برجسته حوزه فلسفه اسلامی در دوره‌ای از تاریخ فلسفه ظهور می‌کند و می‌درخشد که فلسفه و علوم عقلی در حوزه‌های علمیه و دانشگاه‌ها رو به افول می‌نهد، در حوزه‌ها تکفیر شده و علوم منقول جایگزین آن می‌شود و در دانشگاه‌ها به تحجر و کهنگی متهم شده و جریان روشنفکری و غرب‌زدگی جای آن را می‌گیرد. در مقابل این تهاجم وی رسالت خود را در حفظ و استمرار و احیای فلسفه اسلامی می‌بیند و سلاح این مبارزه فکری را برای دیگران نیز فراهم می‌سازد. لذا دغدغه فکری استاد را که در غالب مقالات، مصاحبه‌ها، کتب تالیفی و مقدمه‌های تحقیقی و حتی در جلسات درس بدان می‌پرداخت، می‌توان در احیاء و استمرار سنت فلسفی اسلامی خلاصه کرد.

سید جلال الدین آشتیانی فلسفه و عرفان را از علامه طباطبایی، رفیعی قزوینی و امیرکلاهی مازندرانی آموخت؛ پس از پایان تحصیل به مشهد رفت و در حوزه علمیه مشهد و دانشگاه به تدریس و تالیف در زمینه فلسفه و عرفان مشغول شد و از فلسفه مقابل جریان‌های مخالف آن مانند مکتب تفکیک دفاع کرد.

آشتیانی آثارش را به زبان فارسی می‌نگاشت. او بر چندین اثر مهم فلسفی شرح نوشت و با نگارش مقدمه و تصحیح ده‌ها اثر فلسفی و عرفانی آنها را احیا کرد. مجموعه اقدامات فرهنگی وی موجب شد که در سال ۱۳۷۶ ش، به عنوان دانشمند برجسته کشور انتخاب شود و در سال ۱۳۸۱ نشان درجه یک دانش جمهوری اسلامی را دریافت کند. آشتیانی به‌رغم تبحر بسزایی که در

### شرح بر زادالمسافر



■ ملاصدرا  
■ ۶۰۴ صفحه

مؤلف ابتدا متن عربی رساله «زادالمسافر» اثر صدرالمتألهین را آورده است، سپس به شرح آن اهتمام کرده است. از منظر نویسنده دیدگاه ملاصدرا در باب معاد، بدیع و ابتکاری است. مبانی معادشناسی ملاصدرا عبارت‌اند از: حرکت جوهری، اصالت وجود و تشکیک وجود، نویسنده در پایان، کلام قیصری را درباره عذاب و کلام قونوی را درباره تخلیص از آلام نیز بررسی می‌کند.

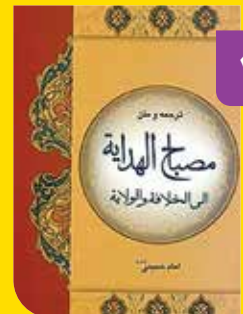
### شرح فصوص الحکم



■ فارابی  
■ ۲۶۴ صفحه

از آنجا که این رساله از عمیق‌ترین رسایل فارابی است، عده‌ای از حکما شروعی بر این رساله نوشته‌اند که شرح خود فارابی از جمله آنهاست. شرح سید جلال الدین آشتیانی برای اولین بار در قالب مقاله در دو قسمت، به گونه‌ای که متن تصحیح شده در یک شماره (زمستان ۱۳۵۳) و شرح هجده فص در شماره بعد (بهار ۵۴)، در مجله دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی مشهد به چاپ رسیده است.

### مصباح الهدایه



■ امام خمینی  
■ ۳۱۵ صفحه

این کتاب یکی از عمیق‌ترین و درخشان‌ترین آثار عرفان اسلامی در دوره متأخر است که امام خمینی (ره) تالیف آن را در سال ۱۳۴۹ هجری قمری (۱۳۰۹ شمسی) در ۲۸ سالگی به پایان رسانده است. این اثر از طرف موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س) در ۳۱۵ صفحه شامل متن کتاب، همراه با مقدمه‌ای مبسوط و شرح گونه‌ای از استاد جلال الدین آشتیانی به طبع رسیده است.